

مقتل‌نگاری به مثابه پاسخی برای نیازهای فرقه‌ای

مطالعه موردی: «تسمیه من قتل مع الحسین علیه‌السلام» اثر فضیل بن زبیر کوفی

مرتضی سلمان‌نژاد^۱

مهرداد شایع^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۹، صفحه ۵۰ تا ۷۴ (مقاله پژوهشی)

چکیده

فهم مولفه‌های روایت زبیدیه از واقعه عاشورا از جمله موضوعاتی است که در حوزه تاریخ‌پژوهی اسلامی مطرح است. از این میان واکاوی روایت «فضیل بن زبیر کوفی» در کتاب «تسمیه من قتل مع الحسین (ع)» به دلیل قدمت، تفردهای روایی و شخصیت ویژه مؤلف اهمیت ویژه‌ای دارد. این پژوهش به دنبال این پرسش است که فضیل با تدوین تسمیه من قتل مع الحسین (ع)، در پی تحقق چه هدفی یا اهدافی بود؟ از این رو جستار پیش‌رو مبتنی بر تحلیل و مقایسه داده‌های مستخرج از منابع اصیل و متقدم بر آن است تا ابتدا با مراجعه به منابع تاریخی، رجالی و حدیثی شخصیت فضیل بن زبیر را معرفی کرده و سپس ویژگی‌های سندی، ساختاری و محتوایی کتاب را ارائه کند و طی بازخوانی متن از رهاورد شناخت جریان‌های سیاسی و دینی مرتبط با آن عصر انگیزه‌های پنهان مؤلف را آشکار سازد. فضیل در جهت پاسخ به نیازهای فرقه‌ای آن روز زبیدیان به طور هوشمندانه اقدام به انتخاب، تولید و چینش محتوای مورد نظر خود کرد و در این راستا به تهییج عواطف و جذب فرقه‌ای با تکیه بر یادآوری مظلومیت امام حسین (ع) و موضوع عاشورا پرداخت و با ادعای قیام به سیف امام سجاد (ع) در روز عاشورا در جهت تأمین نیاز اندیشگانی زبیدیه پیش رفت.

کلیدواژه‌ها: تاریخ‌نگاری عاشورا، مقتل الحسین (ع)، تسمیه من قتل مع الحسین (ع)، فضیل بن زبیر، زبیدیه.

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران: msnd66@gmail.com

۲. پژوهشگر اندیشکده مطالعات حسینی و دانشجوی کارشناسی‌ارشد رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه امام صادق (ع)،

تهران، ایران (نویسنده مسئول): m.shaye@isu.ac.ir

درآمد

یکی از موضوعاتی که در تاریخ‌نگاری اسلامی مورد توجه محققان قرار می‌گیرد، تبیین چگونگی روایت اصحاب فرق و مذاهب از واقعه عاشورا است. زیدیه در زمره فرقی است که روایت خاص خود را از رخداد‌های روز عاشورا دارد. از جمله نگاه‌های موجود در این زمینه، کتاب «تسمیه من قتل مع الحسین علیه‌السلام من ولده و إخوته و أهل بینه و شیعتہ» نگاشته فضیل بن زبیر کوفی است. پژوهش حاضر از این حیث که در پی واکاوی روایت زیدیه از واقعه عاشورا است، می‌تواند در تدقیق فهم خوانندگان در زمینه اندیشه عاشورایی زیدیه مؤثر باشد. از سوی دیگر به دلیل قدمت تاریخی اثر حاضر این پژوهش می‌تواند در راستای رفع ابهام از نقاط تاریک روایت عاشورا گام بردارد. از دیگر مواردی که اهمیت این پژوهش را دوچندان می‌کند این است که تبیین مؤلفه‌های روایت فضیل بن زبیر می‌تواند مقدمه‌ای باشد برای مقایسه آن با سایر آثار نگاشته‌شده در این موضوع تا بدین وسیله زمینه کشف انگیزه نگارنده آن فراهم شود و نقاط قوت و ضعف آن نیز برجسته گردد. عدم شناخت دقیق از مسائل علمی و دقت نکردن به جزئیات می‌تواند منجر به سطحی‌نگری و غفلت در مسائل عام و کلی شود. خلاصاً حاصل از نبود این پژوهش - که بر یکی از جزئی‌ترین مسائل تاریخی از منظر زیدیه متمرکز دارد - ژرفای نگرش به اندیشه عاشورایی زیدیه را سلب می‌کند. عدم آگاهی نسبت به صحت و سقم محتوای این سند تاریخی سبب سوء برداشت و اشتباه در نقل آن شده است. برای نمونه با استناد به این منبع تاریخی و بدون اطلاع از انگیزه‌های مؤلف، نام برخی از لشگریان عمر بن سعد در تابلویی در حرم امام حسین (ع) در شمار اصحاب شهید آن حضرت نوشته شده است (صالحی حاجی آبادی، ۱۳۹۲: ۱۳۲). هدف غایی این پژوهش عمق‌بخشی به حوزه دانشی مخاطب نسبت به اندیشه عاشورایی زیدیه و تکمیل جزئیات آن از طریق پرداخت به کتاب مذکور است. افق‌گشایی مخاطبان از نحوه انتخاب و چینش مطالب توسط نویسنده و آشنایی با مؤلف و انگیزه نگارش او از دیگر اهداف این پژوهش است.

طرح مسأله

مسأله اصلی این پژوهش تبیین انگیزه‌های این نگارنده زیدی مذهب و بیان مؤلفه‌های روایت او از واقعه کربلا در کتاب مذکور است. این پژوهش فرضیه‌آزما نبوده و بر نظام سوال‌ها استوار است. پرسش اصلی عبارت است از اینکه انگیزه اصلی فضیل بن زبیر از نگاشتن کتاب «تسمیه من قتل مع الحسین (ع)» چیست؟ در همین راستا سوال‌های فرعی زیر مطرح شده‌اند: فضیل بن زبیر کوفی کیست؟ مؤلفه‌های روایت فضیل از واقعه عاشورا در کتاب «تسمیه من قتل مع الحسین» کدامند؟ فضیل در چه فضای گفتمانی و در پاسخ به چه نیازی این اثر را خلق کرده است؟ در این پژوهش که از حیث

ماهیت «بنیادی» است و با رویکرد توصیفی-تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای سامان یافته است، ابتدا فضل بن زبیر معرفی و در ادامه با فحوص در منابع روایی و کتاب‌شناسی، مؤلفه‌های سندی، ساختاری و محتوایی کتاب بررسی شده‌اند. پس از این مرحله با نظر به منابع تاریخی و روایی متقدم و نیز پژوهش‌های متأخر و با نگاهی به مهم‌ترین جریان‌های سیاسی و دینی عصر تألیف سعی شده انگیزه‌های پنهان مؤلف آشکار گردد.

پیش از شروع بحث در یادکرد از پیشینه پژوهش باید یادآور شد که کتاب «تسمیه من قتل مع الحسین» علی‌رغم قدمتی که دارد مغفول مانده و پژوهش‌های زیادی حول آن صورت نگرفته است. با تأمل در محتوای پژوهش‌های موجود می‌توان آنها را با توجه به رویکرد مؤلفان به سه دسته تقسیم کرد؛ دسته اول که اهتمام اصلی خود را بر تحقیق متن کتاب متمرکز داشته و به طور ضمنی به معرفی مؤلف پرداخته‌اند (ر.ک: الحسینی، ۱۴۰۶ق). دسته دوم که به نحو مختصر کتاب را توصیف و معرفی کرده‌اند (ر.ک: محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۸ش؛ پیشوایی، ۱۳۹۱ش؛ رنجبر، ۱۳۸۶ش) و به صورت ضمنی، متن آن را نقل و ترجمه کرده‌اند (ر.ک: عقیقی بخشایشی، ۱۳۸۲ش). دسته سوم که با رویکردی نقادانه در صحت و سقم محتوای آن تردید کرده‌اند (ر.ک: صالحی حاجی آبادی، ۱۳۹۲ش). تا آنجا که جستجو انجام شده است، به‌رغم پژوهش‌های ارزنده فوق هنوز خلأهایی در این موضوع یافت می‌شوند. از جمله اینکه هیچ کدام کتاب را متناسب با سبک کلی آن از نظر نگذرانده، متن آن را به صورت تحلیلی و جامع با دیگر منابع مقایسه نکرده و شاخصه‌های محتوایی آن را متذکر نشده‌اند و از همه مهم‌تر در پی آشکارسازی انگیزه‌های پنهان مؤلف و منافعی که او با نگارش کتاب درصدد تحقق آن بوده است، نبوده‌اند. نوآوری مهم این پژوهش بیشتر به دلیل نوع ورود به موضوع و شیوه پرداخت به آن است. افزون بر این از حیث روشی نیز متمایز از پژوهش‌های پیشین است و می‌توان آن را به مثابه تکمله‌ای بر آثار قبلی در نظر گرفت.

۱. زیدیه

زیدیه فرقه‌ای از شیعیان هستند که از امامت امام باقر(ع) عدول کرده (السبحانی، ۱۴۱۰ق: ۴۰۶) و به زید بن علی(ع) گرویده‌اند (النوبختی، ۱۴۳۳ق: ۵۶) و علت نام‌گذاری ایشان به «زیدیه» همین تمسک به زید است (الاشعری، ۱۴۰۰ق: ۱/۶۵). این فرقه که از جمله فرق شیعه است، به مانند همه شیعیان پس از پیامبر(ص)، امام علی(ع) را به عنوان نخستین امام و جانشین بر حق ایشان به رسمیت می‌شناسند و پس از ایشان حسنین(ع) را امام منصوب می‌دانند (فرمانیان، ۱۳۸۷ش: ۸۳). پس از امام حسین(ع) امامت را منحصر در فرزندان حسنین(ع) می‌دانند و از میان ایشان کسی مستحق امامت است که علیه حاکم ظالم خروج کند (النوبختی، ۱۴۳۳ق: ۵۶؛ الأشعری القمی، ۱۳۶۰ش: ۱۸).

از دیگر شرایط امام نزد زیدیه این است که باید از ذریه حضرت زهرا(س) باشد (الشهرستانی، بی تا: ۱۷۹/۱). زید بن علی(ع) که پرورش یافته مکتب اهل بیت(ع) بود، در سال ۱۲۲ق در کوفه خروج کرد و در نبرد خونین به شهادت رسید (فرمانیان، ۱۳۸۷ش: ۸۴). اولین کسی که پس از زید و به پیروی از او قیام کرد، فرزندش یحیی بود که نهایتاً در سال ۱۴۵ق در مدینه شهید شد. پس از یحیی بن زید، محمد بن عبدالله محض(نفس زکیه)، سپس برادرش ابراهیم، پس از ابراهیم حسین صاحب فخر و ... قیام‌هایی را سامان دادند و همگی کشته شدند (همان: ۸۵). زیدیه در آن دوران سه انشعاب اصلی داشت که عبارت بودند از جاردویه، بتریه(صالحیه)، سلیمانیه (السبحانی، ۱۴۱۰ق: ۴۰۷). منشأ اصلی اختلاف میان این سه دسته بیشتر ناظر به مسئله امامت و رهبری بود زیرا در دیگر اصول کلی تقریباً اختلافی وجود نداشت (فرمانیان، ۱۳۸۷ش: ۸۶). البته عالمان زیدیه انتساب این فرقه‌ها را قبول نکرده و آنرا زاییده فکر نویسندگان ملل و نحل می‌دانند (همان: ۸۸).

مهم‌ترین چالش زیدیه نخستین در ابتدای فعالیت، ضدیت و درگیری با بنی امیه بود؛ به این معنا که آنان برای حکومت بنی امیه مشروعیتی قائل نبوده و با اقدام نظامی(قیام به سیف) به مبارزه با بنی امیه پرداختند(برای مشاهده درگیری سیاسی زیدیه و بنی امیه ر.ک: صحیفه سجادیه، ۱۳۷۶ش: ۱۲؛ شهرستانی، بی تا: ۱۷۹/۱-۱۸۳؛ اشعری، ۱۴۰۰ق: ۶۵؛ مفید، ۱۴۱۳ق: ۱۷۲/۲؛ مادلونگ، ۱۳۷۷ش: ۱۴۲؛ حسینی، بادنچ، ۱۳۹۹ش: ۶) و به همین دلیل بود که امور مقدماتی قیام و دعوت از مردم، پنهانی صورت می‌گرفت(ر.ک: طبری، ۱۳۸۷ق: ۱۷۲/۷)

۲. فضیل بن زبیر

فضیل بن زبیر رسا ن اسدی کوفی از محدثان شهیر شیعه به شمار می‌رود. نام او در مواردی «فضل» گفته شده است (ابن داود، ۱۳۴۲ش: ۲۷۱؛ مفید، ۱۴۱۳ق: ۱۴۵) که به نظر تصحیف است (الحسینی، ۱۴۰۶ق: ۱۲۸). او به عنوان «رسا ن» نسبت داده شده است که به معنای فروشنده یا سازنده طنابی است که به عنوان افسار شتر استفاده می‌شود (امین، ۱۴۰۸ق: ۱۲۵/۱). در بعضی کتب عنوان «الغسا ن» به جای الرسا ن به کار رفته است (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق: ۱۰۸). او به قبیله بنی اسد منسوب است اما همانطور که شیخ طوسی ذکر کرده است او از عرب اصیل بنی اسد نیست بلکه از موالی ایشان بوده و به عبارت دیگر حلیف ایشان است (طوسی، ۱۳۷۳ش: ۲۶۹). ملقب بودن او به «کوفی» به این معناست که از اهالی کوفه است و این از روایات و شرح حال برادر و برادرزاده‌اش پیداست (الحسینی، ۱۴۰۶ق: ۱۳۰). از سال ولادت و وفات او اطلاعات دقیقی به دست ما نرسیده است اما با توجه به اینکه برقی، ابن ندیم و شیخ طوسی او را در شمار اصحاب صادقین(ع) برشمرده‌اند و نیز حدیثی از امام زین العابدین(ع) و امام کاظم(ع) نقل نکرده است، به احتمال زیاد

عمده حیات او متعلق به نیمه اول سده دوم هجری است (برقی، ۱۳۴۲ش: ۱۱ و ۳۴؛ ابن ندیم، بی‌تا: ۲۵۳؛ طوسی، ۱۳۷۳ش: ۱۴۳ و ۲۶۹). فضیل دو برادر دارد که یکی از آن دو عبدالله است و در خصوص نام برادر دیگر تصریح نشده است (کشی، ۱۴۰۹ق: ۳۳۸) و به عقیده ابوالفرج اصفهانی، عبدالله از چهره‌های شاخص حدیثی شیعه است (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۹ق: ۲۵۵). در خصوص شهادت یا جانبازی او در قیام زید اختلاف است اما قول قوی‌تر آن است که او جانباز شده و تا زمان قیام نفس زکیه ادامه حیات داده است (الحسینی، ۱۴۰۶ق: ۱۳۱-۱۳۴).

۲-۱. مذهب؛ زیدی یا امامی؟

در خصوص مذهب و تعلق خاطر اعتقادی فضیل میان علمای رجال و تراجم اختلاف است. بنا به تصریح برخی از دانشمندان اسلامی او از زیدیه است. برای نمونه سعد بن عبدالله اشعری قمی هنگام نام بردن از اقویاء زیدیه می‌گوید: «و اما الاقویاء منهم فهم اصحاب ابی الجارود و اصحاب ابی خالد الواسطی و اصحاب فضیل الرئان» (الاشعری القمی، ۱۳۶۰ش: ۷۴) همچنین ابن ندیم او را در شمار متکلمان زیدیه برشمرده است (ابن ندیم، بی‌تا: ۲۵۳). همچنین قرائنی موجود است که بر قرابت و مکانت او نزد زید بن علی(ع) دلالت می‌کند؛ برای نمونه بر اساس بعضی نقل‌های تاریخی او از جمله کسانی است که صاحب اسرار زید بن علی(ع) است، با او ارتباط نزدیکی دارد و هر گاه بخواهند اموالی را به زید برسانند، او واسطه این کار است. (امین، ۱۴۰۸ق: ۱۲۸/۱؛ ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۹ق: ۱۴۱) اما در سوی مقابل عده‌ای طرفدار امامی بودن او هستند. از جمله کسانی که به امامی بودن او معتقد است میرزا حسین نوری است که در مورد فضیل به امامی بودن، زهد، تقوا و قرابت او به امام صادق(ع) تصریح کرده است (نوری، ۱۴۰۸ق: ۳۰۵/۲۷). ذکر او در عداد اصحاب صادقین(ع) توسط احمد بن محمد خالد برقی و شیخ طوسی و مدح ابن داود بر او (ابن داود حلی، ۱۳۴۲ش: ۲۷۱) می‌توانند قرائنی بر امامی مذهب بودن او به شمار آیند. در مجموع چنین به نظر می‌رسد که با توجه به صراحت الفاظ به کار رفته در لسان علمای تراجم و رجال و همچنین روایاتی که به قرابت او به زید دلالت دارند، نظر راجح زیدی بودن او است.

۲-۲. شخصیت حدیثی نزد امامیه

فضیل بن زبیر به واسطه اینکه معاصر صادقین(ع) و زید بن علی(ع) است و حدیث ایشان را شنیده و نقل کرده است، در علوم مربوط به حدیث، شخصیتی مهم تلقی می‌شود. او از افراد متعددی حدیث نقل کرده است و به واسطه نقل حدیث از صادقین(ع) در شمار راویان حدیث امامیه جای می‌گیرد. از دیگر اساتید و مشایخ حدیثی او می‌توان از زید بن علی(ع) (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۱۸۹)، ابوحمزه ثمالی (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷ق: ۸۶)، ابوسعید عقیصا (ابن قولویه، ۱۳۵۶ش: ۷۲)، ابوالورد

(الحسینی، ۱۴۰۶ق: ۱۵۰)، یحیی بن ام‌طویل (همان)، عبدالله بن شریک العامری (همان)، حمزه بن میثم (کشی، ۱۴۰۹ق: ۸۰)، عمران بن میثم (مفید، ۱۴۱۳ق: ۱۴۵)، یحیی بن عقیل (همان: ۲۰۷) و ... نام برد. تعداد کسانی که از فضیل حدیث نقل کرده‌اند کم نیستند و اسامی آنان را می‌توان با مراجعه به کتب حدیثی به طور کامل احصاء کرد. أبان بن عثمان (کشی، ۱۴۰۹ق: ۲۱۳)، أراطه بن حبیب (ابن بابویه، ۱۳۸۵ش: ۲۲۸/۱)، اسماعیل بن أبان (ابن حیون، ۱۴۰۹ق: ۵۷۲/۳)، مسکین یا سکین بن عمار (برقی، ۱۳۷۱ق: ۵۹۲/۲؛ کلینی، ۱۴۰۷ق: ۳۲۶/۶)، فضاله بن ایوب (کشی، ۱۴۰۹ق: ۱۴۸)، حسن بن حماد (صفار، ۱۴۰۴ق: ۱۸)، یحیی بن مُساور (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق: ۱۰۸) و ... از جمله افرادی هستند که نام ایشان در کتب حدیثی در عداد ناقلین از او ثبت شده است.

رجالیون امامیه هیچ گونه وصف دال بر قدح و تنقیص در مورد او بیان نکرده‌اند. وصف رجالیون متقدم همچون برقی، کشی و شیخ طوسی کاملاً بی‌طرفانه است و از آن صراحتاً نه مدحی برداشت می‌شود و نه قدحی. این شکل مواجهه رجالیون با فضیل می‌تواند معنادار باشد و می‌توان چنین تحلیل کرد که ایشان در مورد امامی بودن و وثاقت او به یقین نرسیده‌اند اما چون حدیث او را به واسطه قرائنی دیگر تلقی به قبول کرده‌اند، در خصوص او سکوت را برگزیده‌اند و اگرچه در تصریح به وثاقت او قلم نزده‌اند لیکن قدحی نیز در حق او روا نداشته‌اند. در مقابل، رجالیون متأخر پا را فراتر نهاده و صراحتاً نظر خویش را اظهار کرده‌اند. همانطور که گذشت میرزا حسین نوری با استناد به حدیث کشی در وصف حال سید حمیری (کشی، ۱۴۰۹ق: ۲۸۵) به امامی بودن و ورع فضیل تصریح می‌کند. ابن داود نیز فضیل را ممدوح خوانده است و بنا بر احتمالی که آیت الله خویی داده است، مدح ابن داود هم متأثر از همان روایت کشی است (خویی، ۱۴۱۳ق: ۳۴۷/۱۴). البته اگر بخواهیم با اندکی تسامح بیشتر راجع به او قضاوت کنیم و مانند دانشمندانی همچون شیخ حر عاملی و آیت الله خویی، توثیق عام همه رجال ابن قولویه قمی در کتاب کامل الزیارات را بپذیریم (خویی، ۱۴۱۳ق: ۵۰/۱)، می‌توانیم وثاقت فضیل بن زبیر را نیز واگویه کنیم.

در منابع حدیثی متقدم شیعی (مربوط به قبل از قرن هفتم هجری)، تعدادی حدیث بلاواسطه توسط فضیل بن زبیر از امام علی (ع)^۱، امام باقر (ع) و امام صادق (ع) نقل شده است که بدون احتساب موارد تکراری تعداد آن‌ها به نه عدد می‌رسد. از این تعداد یک حدیث از امام علی (ع) (ر.ک: کشی، ۱۴۰۹ق: ۷۶)، سه حدیث از امام باقر (ع) (ر.ک: برقی، ۱۳۷۱ق: ۵۹۲/۲؛ صفار، ۱۴۰۴ق: ۱۸؛ ابن حیون، ۱۴۰۹ق: ۲۳۷/۱) و پنج حدیث از امام صادق (ع) منقول است (ر.ک: کشی، ۱۴۰۹ق: ۱۸).

۱ روایت فضیل بن زبیر از امام علی (ع) به صورت مرفوع نقل شده است.

۲۸۵ و ۱۴۸؛ ابنا بسطام، ۱۴۱۱ق: ۵۷؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق: ۱۹۹/۲؛ ابن طاووس، ۱۴۱۵ق: ۷۱؛ ابن بابویه، ۱۴۰۶ق: ۱۰۸). این احادیث که موضوعات مختلفی از جمله قرآنی، رجالی، طبی و فضائل اهل‌بیت(ع) را شامل می‌شوند، خود دارای ریز موضوعاتی هستند که واکاوی مضامین موجود در آن خود موضوع پژوهشی مستقل است.

ردیف	راوی بعدی	معصوم	کتاب	موضوع کلی	موضوع جزئی
۱	مسکین بن عمار	امام باقر(ع)	المحاسن	توصیه طبی	توصیه به شروع کردن و ختم غذاخوردن با نمک
۲	(محمد بن اسحاق بن) عمار	امام صادق(ع)	طب الاثمه		توصیه به حجامت و استعمال نوره و سعوط
۳	حسن بن حماد	امام باقر(ع)	بصائر الدرجات	فضائل اهل‌بیت(ع)	خلقت عالی اهل‌بیت(ع) و خلقت دانی بودن خلقت دشمنانشان
۴	حسین بن محمد بن فرقد	امام صادق(ع)	تفسیر عیاشی	قرآنی	فضل قرائت سوره یونس
۵	یحیی بن مساور	امام صادق(ع)	ثواب الأعمال و عقاب الأعمال		فضل قرائت سوره انبیاء
۶	ابن حیون(معلق)	امام باقر(ع)	شرح الاخبار		تفسیر آیه «و نَبِّئْهُمْ لَلْیَسْرَى»
۷	علی بن اسماعیل	امام صادق(ع)	رجال الکشی	رجالی	مدح زید بن علی: علم و صدق و وفا مدح سید حمیری: محبت اهل‌بیت(ع)
۸	فضاله بن ایوب	امام صادق(ع)			قدح زراره: رد نظر او در باب استطاعت
۹	عبدالله بن یزید اسدی	امام علی(ع)			مدح رشید هجری: اخبار نحوه شهادت

جدول ۱- ریز موضوعات احادیث فضیل بن زبیر

با توجه به آنچه بیان شد می‌توان سه نکته ذیل را نتیجه گرفت: اول، اینکه او در مرز میان زیدیه و امامیه ایستاده است و با هر دو گروه ارتباط و تعامل دارد؛ دوم، او یک محدث است و با حوزه تخصصی، اصطلاحات و قوانین حدیث آشنایی دارد؛ سوم، او در حدیث امامیه شناخته شده است، در طرق حدیث امامیه حضور دارد و مرویات او در میان امامیه دست به دست می‌شود.

اهمیت این سه نکته حکایت از آن است که دقیقاً چه شخصیتی برای تأمین نیاز اندیشگانی زیدیه برگزیده شده است؛ شخصیتی مانند فضیل بن زبیر که بتواند از عهده این مهم برآید. نتیجه مهم دیگر این است که فضیل در حوزه اخبار و روایات به منابع، اصول و کتب امامیه و زیدیه دسترسی دارد و اختلاف دیدگاه‌های او در حوزه مقتل الحسین(ع) با وجود آگاهی از دیگر گزارش‌ها پیش آمده است. گاه اختلاف روایت از سوی مورخی پیدا می‌شود که دسترسی به دیگر گزارش‌ها نداشته اما گاه اختلاف روایت از مورخی دیده می‌شود که قرائن بر اشراف او بر دیگر گزارش‌ها دلالت دارد. در این صورت می‌توان نتیجه گرفت که مورخ در این موقعیت دست به انتخاب زده است.

زنجره پیوسته موضوعات و فضای کلی حاکم بر احادیث فضیل، دلالت بر روحیه حماسی و ظلم ستیزی او دارد و این احادیث معمولاً در همین راستا نقل شده است. این موضوع دقیقاً همان چیزی است که در فضای قیام زید در اندیشه شیعیان زیدی موج می‌زند. آنجایی که او حدیثی را در مدح، بیان فضیلت و نحوه شهادت رشید هجری - شخصیتی که مقابل ظلم بنی‌امیه تا پای جان ایستاد - نقل می‌کند، آنگاه که در مدح زید شهید، حدیث امام صادق(ع) را روایت می‌کند، تفسیر آیه «و نیسرک للیسری» در فضای نوید به آسانی پس از سختی‌ها، فضل قرائت سوره انبیا که مناقشات پیامبران الهی با دشمنان را بیان کرده و با رنگی حماسی به معرفی قهرمان می‌پردازد و بیان فضل قرائت سوره یونس که به آسانی پس از سختی‌ها بشارت می‌دهد، همه و همه نشانه این روحیه فضیل و اهتمام او برای تأمین نیاز اندیشگانی زیدیه است. این روحیه حماسی فضیل در متن اثر مورد بحث نیز به وضوح پدیدار است. اساساً آثار در حوزه مقتل الحسین(ع) دو وجه حماسی و عاطفی را در کنار یکدیگر دارند؛ هرچه وجه حماسی پررنگ‌تر باشد، موضع متن و نگارنده فعال و روبه‌جلو است و هرچه وجه عاطفی پررنگ‌تر باشد، متن سویه انفعال و ضعف به خود می‌گیرد.

۳. تسمیه من قتل مع الحسین(ع)

کتاب «تسمیه من قتل مع الحسین(ع) من ولده و إخوته و أهل بيته و شيعته» یکی از اولین نگاهشته‌های تاریخی مربوط به واقعه عاشورا اثر فضیل بن زبیر است. قدمت کتاب و شخصیت خاص مؤلف آن، اهمیت پرداخت به این موضوع را دوچندان می‌کند. ویژگی منحصر به فرد دیگر این نگاهشته که اهمیت پرداخت به آن را پررنگ‌تر می‌کند این است که از سویی با سبک «التسمیات» و از سوی دیگر با سبک «المقتل» گره خورده است. مؤلف این کتاب دیگر شاخصه‌ای است که مورد توجه است، چه او از طرفی با صادقین(ع) در ارتباط است و از طرفی در شمار اصحاب نزدیک زید بن علی(ع) قرار دارد. مسئله عاشورا و وقایع رخ داده در آن روز عظیم از جمله مسائلی است که از سده‌های اولیه اسلامی تاکنون نقل محافل بوده است و امروزه افشاندن گرد ابهام از پیشانی آن از نیازهای اساسی جامعه اسلامی است. نقش محوری هیئات مذهبی در جامعه کنونی نیز ضرورت پژوهش‌های اینچنینی را ملموس می‌کند. اصحاب شهید امام حسین(ع) در روز عاشورا و اسامی ایشان از مباحثی است که توجه بسیاری از تاریخ‌نگاران و مقتل‌نویسان را به خود جلب کرده است.

۳-۱. مؤلفه‌های سندی

قدیمی‌ترین کتابی که این روایت را نقل کرده و در عصر حاضر به دست ما رسیده است، کتاب «الأمالی الخمیسیه» نگاهشته المرشد بالله یحیی بن حسین الشجری(م ۴۷۹ق) است(المرشد بالله، ۱۴۲۲ق: ۲۲۴-۲۲۸). مواجه اولیه با این روایت در کتاب الامالی الخمیسیه ممکن است این گمان را به وجود بیاورد که این روایت صرفاً یک روایت شفاهی است که نقل آن از فضیل بن زبیر آغاز شده تا به المرشد بالله رسیده و اوست که به نگارش آن در کتاب خود مبادرت ورزیده است اما فرضیه نگارنده مقاله حاضر این است که این روایت از ابتدا به صورت مکتوب درآمده و روایت راویان از طریق قرائت بوده است. این فرضیه با قرائن زیر تقویت می‌شود:

قرینه اول این است که فضیل هنگام نقل روایت می‌گوید: «سمعت الامام ابوالحسن زید بن علی علیهماالسلام و یحیی بن ام‌طویل و عبدالله بن شریک العامری یذکرون تسمیه من قتل مع الحسین بن علی علیهماالسلام من ولده و إخوته و أهله و شيعته و سمعته ایضاً من آخرین سواهم» (همان: ۲۲۴). این یعنی فضیل محتوای کتاب را از سه تن یعنی زید بن علی(ع)، یحیی بن ام‌طویل و عبدالله بن شریک به عنوان منبع اول اخذ کرده ولی تصریح می‌کند از دیگرانی هم عین همان مطلب را گرفته است. این مطلب نشان می‌دهد که فضیل پس از شنیدن از آن سه نفر و از دیگران، محتوا را گردآوری کرده و پس از تلفیق و نظم‌بخشی به خصوص، آن را به شکل حاضر تدوین کرده است.

قرینه دوم این است که در آن عصر، نگارش چنین کتبی با عنوان «تسمیه...» و موضوع ذکر اسامی رایج بوده است. طبق نظر آقابزرگ تهرانی و سید حسن صدر کتابی با عنوان و محتوای مشابه به نام «تسمیه من شهد مع امیرالمومنین (ع) فی حروبه الجمل و صفین و النهروان من الصحابه» توسط عیبدالله بن ابی رافع قبل از سال ۴۰ هجری نگاشته شده است که در موضوع تراجم و سیر اولین است (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ق: ۱۸۱/۴؛ الصدر، ۱۳۷۵ق: ۲۳۲). همچنین روایتی وجود دارد که به مثابه سندی تاریخی نشان می‌دهد سابقه سبک «التسمیات» حتی به قبل‌تر از سال ۴۰ بازمی‌گردد. در این روایت چنین آمده است که پیامبر (ص) مطالبی را در موضوع یاران امام مهدی (ع) به امام علی (ع) املا کردند که از آن به «تسمیه أصحاب المهدی» یاد شده است (طبری آملی صغیر، ۱۴۱۳ق: ۵۵۵). این دو سند تاریخی نشانگر این است که ذکر اسامی افراد در کتبی با عنوان «تسمیه...» شیوه‌ای رایج در تاریخ‌نگاری قرون اولیه اسلامی بوده است.

ناگفته نماند که تعدادی از محققان معاصر نیز با این روایت به مثابه کتاب برخورد کرده‌اند (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۸ش: ج ۱: ۵۳؛ الحسینی، ۱۴۰۶ق: ۱۴۹؛ پیشوایی، ۱۳۹۱ش: ج ۱: ۵۹-۶۰؛ رنجبر، ۱۳۸۶ش: ۱۸۹-۱۸۳). همچنین توجه به این نکته ضروری است که تألیف کتب در سده‌های نخستین کاملاً ابتدایی و ساده بوده و توقع نگارش کتابی عظیم که دربردارنده جزئی‌ترین ابعاد موضوعات است، نابخاست.

۲-۳. سبک نگارش

ساختار و محتوای این کتاب به گونه‌ای است که هم ذیل سبک «التسمیات» جای می‌گیرد و هم ذیل سبک «مقتل الحسین (ع)». اگر مبنای قضاوت در این خصوص شیوه نگارش و ساختار کتاب باشد، متعلق به «التسمیات» خواهد بود، اما اگر معیار محتوایی را نیز ملاک قرار دهیم، ذیل سبک «مقتل الحسین (ع)» جای می‌گیرد؛ به خصوص در آن مواردی که مختصری از نحوه به شهادت رسیدن افراد را شرح می‌کند. واقعیت امر این است که این کتاب همیشه در فهرست‌های آثار مقتل الحسین (ع) ذکر شده است (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۸ش: ۵۳/۱؛ پیشوایی، ۱۳۹۱ش: ۵۹/۱-۶۰؛ رنجبر، ۱۳۸۶ش: ۱۸۹-۱۸۳). طبق جستجوی نگارندگان در منابع کتابشناسی و تراجم متقدم و متأخر، نخستین اثری که در آن سبک «المقتل» و «التسمیات» با هم ترکیب شده‌اند، اثر حاضر است. پس از این ابتکار فضیل بن زبیر، ذکر اسامی کشته‌شدگان به عنوان بخشی از «مقتل الحسین (ع)» به این سبک از تاریخ‌نگاری وارد شد (برای نمونه ر.ک: کاتب واقدی، ۱۴۱۸ق: ۴۷۵/۱؛ ابن أعثم کوفی، ۱۴۱۱ق: ۱۱۰/۵؛ طبری، ۱۳۸۷ق: ۴۷۰/۵؛ ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۹ق: ۸۴). در ادامه به اختصار به معرفی سبک «التسمیات» و «المقتل» پرداخته خواهد شد.

۱-۲-۳. التسمیات

اسامی کتب و نگاشته‌های سده‌های نخستین اسلامی از دو حال خارج نیستند. این اسامی در اکثر موارد از موضوع کتاب اخذ شده‌اند که کتبی مانند تفسیر مقاتل بن سلیمان بلخی، مسند احمد بن حنبل و ... از این دسته‌اند و یا عنوانی خاص هستند که به صورت اسم عَلم برای کتاب وضع شده است، مانند الصَّحِيفَةُ الصَّادِقَةُ منسوب به عبدالله بن عمرو.

عنوان «التسمیه» از نوع اول است که در معنای ذکر اسامی افراد است؛ مانند وقتی که از پدری خواسته شود فرزندان را یک به یک نام ببرد و او بگوید: فَسَمَّيْتُهُمْ واحداً واحداً (حیدری، ۱۳۸۱ش: ۳۵۴). در همین معنا در حدیثی آمده است: «كان طائفة عَزَمُوا على أن يُعْتَلُوا سَيِّدنا رسولَ الله، صلى الله عليه [و آله] و سلم، في سَفَرٍ وَقَفُوا له على طريقيه، فلما بلغهم أمرَ بَتْنَحِيَّتِهِم عن طريقيه و سَمَّاهم رجلاً رجلاً.» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۲/۶۲۰) یعنی رسول خدا(ص) نام یک به یک آن‌ها را ذکر کرد. در حدیث دیگری آمده است که رسول خدا(ص) به امام علی(ع) فرمودند: «إِنَّكَ سَتَقَاتِلُ بَعْدِي النَّائِكَةَ وَ الْفَاسِطَةَ وَ الْمَارِقَةَ.» در ادامه امام علی(ع) افزودند: «و سَمَّاهُمْ رَجُلًا رَجُلًا» یعنی نام رسول خدا(ص) یک به یک اسامی آن‌ها را ذکر کرد (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ۱۹۵/۱؛ شیخ حر عاملی، ۱۴۲۵ق: ۱/۳۵۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۹/۴۲۳).

همانطور که گذشت قدیمی‌ترین نگاشته‌ای که با این عنوان (در معنای دوم) ذکر شده است، نوشته امام علی(ع) از املاي رسول خدا(ص) با عنوان «تسمیه أصحاب المهدی» است که ضمن روایتی از امام صادق(ع) نقل شده است. از دیگر نگاشته‌های این سبک می‌توان به «تسمیه من شهد مع امیرالمومنین(ع) فی حروبه الجمل و صفین و النهروان من الصحابه» اثر عبیدالله بن ابی‌رافع(ح-۱۰۰ق)، «تسمیه من روی عنه من أولاد العشرة» اثر علی بن عبدالله المدینی(د-۲۳۴ق)، «تسمیه فقهاء الأمصار من أصحاب رسول الله(ص) و من بعدهم» و «تسمیه من لم یرو عنه غیر رجل واحد» اثر ابو عبدالرحمن نسائی(۳۰۳ق)، «تسمیه من أخرجهم البخاری و مسلم و ما انفرد كل واحد منهما» اثر حاکم نیشابوری(۴۰۵ق)، «تسمیه ما انتها الینا من الرواء عن سعید بن منصور عالیاً» اثر ابو نعیم اصفهانی(۴۳۰ق) و «تسمیه من عرف ممن أبهم فی العمدة» اثر ابن حجر عسقلانی(د-۱۵۲ق) اشاره کرد (برای ملاحظه موارد بیشتر ر.ک: الحسینی، ۱۴۰۹ق: ۵۲-۶۹). سبک «التسمیات» مانند سایر سبک‌های تاریخ‌نگاری مبتنی بر روش و ویژگی‌های مشخصی سامان یافته است. «ذکر اسامی افراد به ترتیب قبائل»، «تصریح به نسبت موالی» و «تلفیق احادیث» سه شاخصه اصلی این سبک است که در اکثر این آثار تا حدودی قابل پیجویی است(الحسینی، ۱۴۰۹ق: ۳۰-۴۴).

۲-۳. مقتل الحسین (ع)

واژه «مقتل» در لغت به معنای اسم زمان و مکان از ریشه «قتل» به کار رفته است (ابن اثیر، ۱۳۶۷ش: ۱۵/۴؛ قیم، ۱۳۹۴ش: ۱۰۳۰). مصدر میمی به معنای «کشتن» از دیگر معانی است که لغت دانان برشمرده‌اند (جبران مسعود، ۱۳۷۶ش: ۱۶۴۳/۲) و نیز در فقه به عضو حساسی که آسیب به آن باعث مرگ می‌شود، «مقتل» گفته‌اند (قلعجی، قنیبی، ۱۴۰۸ق: ۴۵۳). در اصطلاح تاریخ‌نگاری «مقتل الحسین (ع)» نوعی از تک‌نگاری است که در آن به شرح وقایع روز عاشورا و جریان شهادت امام حسین (ع) و یارانش پرداخته می‌شود (پیشوایی، ۱۳۹۱ش: ۴۳/۱). این اصطلاح گاه با کلمه «مصراع» همراه شده است. (قهرمانی نژاد، ۱۳۹۴ش: ۳۹) ریشه‌های این شیوه از تاریخ‌نگاری را می‌توان در مکتب سیره‌نویسی مدینه در رخدادهایی مانند شهادت حمزه (ع) و جعفر (ع) و قتل عثمان پیجویی کرد ولی شاکله اصلی آن با شهادت امام علی (ع) و واقعه عاشورا در کوفه شکل گرفت (همان: ۳۹-۴۰). کتاب مورد بحث اگرچه در عنوان خود به «مقتل الحسین (ع)» نام گذاری نشده اما از حیث موضوعی ذیل سبک مقتل‌نگاری قرار می‌گیرد.

۳-۳. مروری بر متن و شاخصه‌های محتوایی آن

روایت فضیل بن زبیر از واقعه عاشورا تک‌آمدهای منحصر به فردی دارد که وجه تمایز آن به شمار می‌رود و در آثار هم‌عرض آن دیده نمی‌شود. در ادامه به این وجوه تمایز پرداخته می‌شود.

۱-۳-۳. ولادت عبدالله رضیع (ع) در روز عاشورا

عبدالله رضیع یا همان علی اصغر (ع) فرزند شیرخوار امام حسین (ع) و کوچک‌ترین شهید عاشورا بود (میرشاهی، ۱۳۹۷ش: ۵۲) که در روز عاشورا با تیری که حرمله بن کاهل اسدی به سوی او انداخت شهید شد (ابن طاووس، بی‌تا، ۱۱۷). در مورد نام، طول عمر و نحوه شهادت او میان مورخان اختلاف است (مظفری، و غیره، ۱۳۸۵ش: ۲۶۱). طبق نقل فضیل بن زبیر، عبدالله رضیع (ع) در همان روز و در میانه جنگ به دنیا آمد (الحسینی، ۱۴۰۶ق: ۱۵۰). فضیل بن زبیر در حالی این نظر را بیان داشته که ابومخنف، تاریخ‌نگار هم دوره و هم بوم او چنین نظری ندارد فلذا فضیل در این نظر متفرد است (طبری، ۱۳۸۷ق: ۴۴۸/۵).

۲-۳-۳. ذکر نام برخی از قاتلان در عداد شهدا

برخی معتقدند تمام آنچه فضیل از اسامی شهدای کربلا ارائه می‌دهد لزوماً مطابق واقع نیست و بر آن نقدهای مهمی وارد است (صالحی حاجی آبادی، ۱۳۹۲ش: ۱۳۲). از جمله این نقدها ذکر نام تعدادی از قاتلان در میان شهدا است. برای نمونه از جمله افرادی که در نقل فضیل در شمار شهدا قلمداد شده‌اند، کثیر بن عبدالله شعبی و مهاجر بن اوس هستند (الحسینی، ۱۴۰۶ق: ۱۵۵). این در

حالی است که بر اساس منابع متعدد دیگر -از جمله نقل ابومخنف در تاریخ طبری- این دو تن با معاضدت یکدیگر زهیر بن قین را به شهادت رسانده‌اند (برای نمونه ر.ک: طبری، ۱۳۸۷ق: ۴۴۱/۵؛ اخطب خوارزم، ۱۳۸۱ش: ۲۴/۲؛ بلاذری، ۱۴۱۷ق: ۴۰۳/۳؛ ابن‌اثیر جزری، ۱۳۸۵ش: ۷۱/۴؛ قمی، ۱۳۷۹ش: ۸۴۶/۲؛ ابن‌شهر آشوب، ۱۳۷۹ق: ۱۰۴/۴) نکته قابل توجه این است که فضیل در همین راستا، به کلی از ذکر نام زهیر بن قین صرف نظر کرده است.

۳-۳-۳. ترتیب اسامی شهدا بر اساس قرابت به امام حسین(ع)

بنای مؤلف در ترتیب ذکر اسامی اصحاب شهید امام حسین(ع)، چینش بر اساس قرابت به آن حضرت است؛ به این صورت که ابتدا از بنی‌هاشم شروع کرده و سپس به سایر اصحاب پرداخته است. معیار ترتیب اسامی درون این دو دسته نیز قرابت به امام(ع) است. آنجا که شهدای هاشمی را نام بردار می‌شود ابتدا به برادران امام حسین(ع) می‌پردازد، سپس فرزندان ایشان را نام می‌برد، و پس از ذکر اسامی فرزندان امام حسن(ع) نهایتاً اسامی عموزادگان را ذکر می‌کند. در ذکر اسامی سایر اصحاب، معیار قرابت بدین شکل رخ می‌نماید که موالی امام حسین(ع) بر شهدای دیگر قبائل مقدم شده‌اند.

۳-۳-۴. اختلاف در تعداد شهدا با دیگر منابع

تعداد شهدای کربلا از مواضع اختلافی تاریخ‌نگاران است و اقوال متعددی در این موضوع به چشم می‌خورد. این اختلاف نظر را در مجموع می‌توان به پنج دسته زیر تقسیم کرد:
دسته اول: مورخینی که تعداد شهدا را بیش از ۵۰۰ نفر می‌دانند. از جمله قائلین به این نظر علی بن حسین مسعودی است که در مروج الذهب نظرش را بیان داشته است (مسعودی، ۱۴۰۹ق: ۶۱/۳).

دسته دوم: مورخینی که تعداد شهدا را اندکی بیش از ۱۰۰ نفر می‌دانند. از جمله طرفداران این رأی می‌توان به ابن‌نمای حلی اشاره کرد (ابن‌نما، ۱۴۰۶ق: ۵۴).

دسته سوم: مورخینی که تعداد شهدا را بین ۸۰ تا ۱۰۰ نفر ذکر کرده‌اند. عبدالرزاق مقرر از جمله قائلان به این نظر است (مقرر، ۱۴۲۶ق: ۲۳۴).

دسته چهارم: طرفداران قول مشهور که تعداد شهدا را ۷۲ نفر می‌دانند. ابو مخنف مهم‌ترین فردی است که چنین رأی دارد (طبری، ۱۳۸۷ق: ۴۵۶/۵).

دسته پنجم: کسانی که تعداد شهدا را کمتر از ۷۲ نفر دانسته‌اند. یعقوبی صاحب تاریخ عدد ۶۲ را برای اصحاب در کتابش ذکر کرده است (یعقوبی، بی‌تا، ۲۴۳/۲).

فضیل بن زبیر تعداد ۱۰۶ نفر را به عنوان اصحاب شهید امام حسین (ع) معرفی کرده است و بر این اساس ذیل دسته دوم جای می‌گیرد اما در خصوص اتقان نظر او برخی از پژوهشگران معاصر تردید کرده‌اند. آنان قائل به اشتباهاتی از جانب فضیل شده‌اند. برای مثال در نگاشته او نام برخی از شهدا مانند «عبدالرحمن بن عزره غفاری» و «بریر بن خضیر» ضبط نشده و از طرف دیگر نام برخی افراد مانند «سلیمان بن ربیعہ» و «هفهاف بن مهند» و ... ذکر شده در حالی که هیچ نام و نشانی از ایشان در منابع کهن و معتبر دیگر موجود نیست (صالحی حاجی آبادی، ۱۳۹۲ش: ۱۳۶).

۳-۳-۵. ذکر نام مادران شهدای بنی‌هاشم

از دیگر شاخصه‌های آشکار این نگاشته که در ابتدای مواجهه به چشم می‌آید اشاره به مادران شهدای هاشمی است و در مقابل هیچ اشاره‌ای به مادران سایر شهدا نمی‌شود و سخنی در این خصوص به میان نمی‌آورد. فضیل به مادران تمام شهدای هاشمی اشاره کرده است. نام دوازده تن از این مادران را که زنان حُرّه هستند، به همراه نام آباء و اجداد و انتسابشان به قبائل به طور کامل ذکر می‌کند. بر اساس نقل فضیل بقیه مادران شهدای هاشمی، ام ولد هستند.

از دیگر نکات قابل توجه در این زمینه ذکر یک مورد نام مادر است که در خصوص حضرت علی اکبر (ع) است. او در این باره چنین می‌نویسد: «علی بن الحسین الأكبر و أمه لیلی بنت أبی مره بن عروه بن مسعود بن مغیث الثقفی و أمها میمونہ بنت أبی سفیان بن حرب» (الحسینی، ۱۴۰۶ق: ۱۵۰) و بدین ترتیب انتساب علی اکبر (ع) از طرف مادری به بنی‌امیه را یادآور می‌شود.

۳-۳-۶. ذکر نام قاتلین

از دیگر مشخصه‌های این نگاشته ذکر نام قاتلین به خصوص در مورد شهدای هاشمی است. از بیست شهید هاشمی کربلا نام قاتل هفده تن از ایشان ذکر شده است اما در خصوص سایر شهدا به طرز چشمگیری این عدد کم است و تنها نام قاتل هفت تن از ایشان آورده شده است. طبق نقل فضیل بن زبیر، در به شهادت رساندن بعضی از شهدا دو قاتل با هم شراکت داشته‌اند و نیز جرم بعضی از قاتلین سنگین‌تر است زیرا در به قتل رساندن بیش از یک شهید دست داشته‌اند. «هانی بن ثبیت خضرمی»، «حرمله بن کاهل اسدی» و «عمرو بن صبیح صیداوی» از جمله این افراد هستند.

۳-۳-۷. ذکر نام جانبازان

از دیگر شاخصه‌های این نگاشته است که جانبازان را در کنار سایر شهدا نام می‌برد. فضیل برای اشاره به جانبازی از کلمه «ارتث» استفاده کرده است که بر اساس آنچه علمای لغت معنا کرده‌اند سه مؤلفه معنایی «حضور در جنگ»، «جراحات بسیار برداشتن و به تبع آن ناتوان شدن» و «در نهایت زنده از معرکه بیرون کشیده شدن» را با هم داراست (ازهری، ۱۴۲۱ق: ۴۴/۱۵؛ ابن فارس،

۱۴۰۴ق: ۳۸۴/۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۵۱/۲؛ صاحب، ۱۴۱۴ق: ۱۲۴/۱۰). جانبازان نیز مانند شهدا به دو دسته هاشمی و غیر هاشمی تقسیم شده‌اند. جانبازان هاشمی عبارتند از «امام علی بن الحسین(ع)»، «محمد بن عمرو بن الحسن(ع)» و «حسن مثنی» (الحسینی، ۱۴۰۶ق: ۱۵۰) و جانبازان غیر هاشمی دو نفر از قبيله همدان به نام‌های «سوار بن حمیر الجابری» و «عمرو بن عبدالله الجندی» هستند که به ترتیب پس از شش ماه و یک سال بر اثر جراحت وارد به شهادت رسیده‌اند (همان: ۱۵۶).

۳-۳-۸. شرح مختصر در مواردی اندک

فضیل در مواردی اندک و با رعایت اختصار توضیحاتی را ذیل نام شهدا بیان کرده است. در بعضی موارد مانند آنچه در مورد «عبدالله بن یقطر» ذکر کرده مختصری از نحوه شهادت را بیان می‌کند (همان: ۱۵۲). در مورد برخی شهدا مانند حضرت علی اکبر(ع) ابیاتی را از رجز ایشان آورده (همان: ۱۵۰)، در مورد برخی شهدا مانند عبدالله رضیع(ع) شعری در بیان مرثیه ذکر کرده (همان)، در شرح حال «هفهاف بن مهند» روایتی را از امام سجاد(ع) در مدح او بیان کرده (همان، ۱۵۷) و در پایان در نهایت ایجاز از حالات اسرا در کوفه و شام سخن به میان آورده است. (همان)

۴. بازخوانی «تسمیه من قتل مع الحسین(ع)» از رهاورد شناخت گفتمان‌های فرقه‌ای زیدیه

۴-۱. نیازمندی‌های فرقه‌ای زیدیه در آغاز حرکت

اساساً هر حرکت عظیمی که ساحت سیاسی - اجتماعی و دینی به خود می‌گیرد، باید نخبگانی داشته باشد که آنان نسبت به نیازهای حرکت خود، آگاهی داشته باشند و برای پاسخگویی به آن نیازها برنامه‌ریزی کنند و متناسب با آن در جهت تصویرسازی اجتماعی و اقناع افکار جامعه قدم بردارد. قیام زید بن علی(ع) به عنوان یک حرکت عظیم سیاسی - اجتماعی و دینی، نسبت به این مسأله خودآگاه بود و در جهت پاسخگویی متناسب با آن اقداماتی را انجام داده است اگرچه این اقدامات بیشتر به صورت پنهانی و مخفیانه صورت گرفت.

۴-۱-۱. نیاز قیام زید به نیروی انسانی

مدتها قبل از وقوع قیام زید در سال ۱۲۲ زمینه‌سازی‌های لازم برای قیام شروع شد. زمینه‌سازی‌هایی که از ابعاد مختلف مادی و معنوی این قیام را یاری می‌کرد؛ برخی با اهدای اموال، برخی با خطابه و تذکر لسانی، برخی با نگارش کتب و رسالات و برخی دیگر با شمشیر خود به یاری زید بن علی(ع) پرداختند. مهم‌ترین و ارزشمندترین نیاز این قیام که تأمین آن - به خصوص پس از واقعه عاشورا و سرکوبی شیعیان - کار بسیار دشواری بود، نیاز به نیروی انسانی و مبارز بود.

نیازی که در نهایت امر آنچنان که باید و شاید تأمین نشد و از اصلی‌ترین عوامل شکست قیام نیز همین مسئله بود.

۲-۱-۴. نیاز قیام زید به مشروعیت

با توجه به گفتمان‌های فکری و اعتقادی رایج در سده‌های نخستین اسلامی -به خصوص سده دوم- قیام نظامی بر ضد خلافت اسلامی اساساً محتاج به یک پشتوانه مستحکم فکری و اعتقادی داشت. قیام زید که در دل تشیع کوفی پا گرفت می‌بایست از مشروعیت دینی مطلوبی برخوردار باشد که تکیه بر اصول فکری و اعتقادی شیعه زده باشد تا بتواند مبتنی بر آن دل‌ها و شمشیرها را با خود همراه کند. تاسی به امام حسین (ع) و خونخواهی آن جناب از مسائلی بود که همواره در قیام‌های شیعی به آن تمسک می‌شد. قیام زید از اولین قیام‌هایی بود که برای کسب مشروعیت، علم عاشورا و خونخواهی امام حسین (ع) را بلند کرد. اگرچه زید در حقیقت در پی خونخواهی امام حسین (ع) بود اما این اعتقاد باید به طریقی به گوش شیعیان می‌رسید و این وظیفه بر عهده اندیشمندان قیام بود.

۳-۱-۴. نیاز اندیشگانی زیدیه به مثابه یک مکتب

یکی از وجوه ممیزه زیدیه به مثابه یک مکتب اعتقادی، اصل امر به معروف و نهی از منکر است که یکی از بهترین مصادیق آن لزوم قیام به سیف توسط امام است (مادلونگ، ۱۳۷۷ش: ۱۴۰). این عقیده که از همان ابتدای شکل‌گیری زیدیه در میان ایشان رواج داشت (صحیفه سجاده، ۱۳۷۶ش: ۱۲) با یک چالش جدی درباره امامت امام سجاده (ع) مواجه بود. بر اساس شهادت غریب به اتفاق منابع تاریخی متقدم و متاخر -به جز منابع زیدی- امام سجاده (ع) در کربلا به بیماری سختی مبتلا بوده، قدرت رزم نداشته و دست به شمشیر نبرده است. در این صورت زیدیه با چالش نداشتن امام قائم به سیف در فاصله شهادت امام حسین (ع) تا قیام زید روبه‌رو خواهد بود. در چنین شرایطی اندیشمندان زیدی می‌بایست دست به کار شده و به نوعی این خلأ را جبران نمایند.

۴-۱-۴. دو قطبی شیعه-اموی در کوفه

اندیشه‌های ضد اموی در کوفه از ابتدای بالاگرفتن اختلاف امام علی (ع) و معاویه آغاز شد و با شهادت امام حسین (ع) به اوج رسید. از طرفی پس از شهادت امام حسن (ع) و استقرار خلافت معاویه و حضور والیان اموی در کوفه، دو قطبی شیعی-اموی شکل گرفت و تا پایان خلافت بنی امیه ادامه داشت به طوری که کوفه در این دوران شاهد قیام‌های متعدد اموی بود (رجیبی دوانی، ۱۳۷۸ش: ۵۶). شیعیان کوفه در این دوران هیچگاه دلخوشی از امویان نداشته و همیشه میان ایشان اختلاف و درگیری بود.

۲-۴. پاسخ‌ها و جهت‌گیری‌های متن نسبت به مسائل

اثر فضیل بن زبیر در مقابل نیازهایی که بیان آن به تفصیل گذشت، پاسخ‌ها و جهت‌گیری‌هایی دارد که در نهایت ذکاوت و زیرکی و در لایه‌های پنهان متن قرارداد شده‌اند. در ادامه به بیان این پاسخ‌ها پرداخته می‌شود.

۱-۲-۴. پرداخت به مسئله عاشورا؛ تهییج عواطف و جذب مبارز

نگارش کتابی با موضوع شهادت امام حسین (ع) همراه با رگه‌هایی از بیان مظلومیت آن جناب در کوفه، آن هم در میان شیعیان و محبان اهل بیت (ع)، حربه بسیار مناسبی برای تهییج عواطف و جهت دادن به احساسات عموم مردم به شمار می‌رفت، به خصوص آنکه نگارنده کتاب شخصیتی اثر گذار باشد. فضیل بن زبیر و کتاب تسمیه من قتل مع الحسین (ع) قطعاً می‌توانست چنین کارکردی داشته باشد. فضیل که بر اساس منابع تاریخی، از نزدیکان زید بن علی (ع) است و گاهی اوقات اموالی را برای تقویت جبهه زید جمع‌آوری کرده است، با چنین تعلق خاطری نسبت به قیام زید، نمی‌تواند کتابی در موضوع عاشورا بنگارد و در عین حال نسبت به قیام خنثی باشد؛ بلکه این اثر به هدف پشتیبانی و خدمت به این دستگاه نگاهشده شده است (حسینیان مقدم، ۱۳۹۵ش: ۹۵). اولین کارکرد این نگاهشده در جهت خدمت به جبهه زید، تهییج عواطف و جذب دل‌ها و شمشیرها بود. او همچنین با نگاهش این کتاب در پی آن بود که هدف قیام زید را «خونخواهی امام حسین (ع) و تأسی به ایشان» بنمایاند و بدین وسیله قدمی در راستای مشروعیت بخشی به قیام بردارد. نگارش این کتاب همچنین می‌توانست اقدامی تقابلی علیه سیاست ضد شیعی بنی امیه باشد؛ چراکه تجدید خاطره عاشورا و ذکر مظلومیت امام حسین (ع) به هر نحو ممکن باعث تضعیف بنی‌امیه می‌شد. فضیل بن زبیر در همین راستا مطالبی را در نگاهشده خود جای گذاری کرده است. برای نمونه او جریان شهادت حضرت عبدالله بن الحسین (ع) -فرزند شیرخوار امام حسین (ع)- را با جزئیات و همراه با ذکر ابیاتی در مرثیه و مظلومیت ایشان آورده است (الحسینی، ۱۴۰۶ق: ۱۵۰). در جای دیگر هنگام ذکر اسامی شهدای از نسل عقیل بن ابی طالب (ع) ابیات زیر را از قول زینب بنت عقیل (س) نقل می‌کند که ظرفیت بالایی در تهییج عواطف و تحریک اذهان دارد:

«ماذا تقولون ان قال النبی لکم / ماذا صنعتم و انتم آخر الأمم

بعترتی اهل بیتی بعد مفتقدی / منهم اساری و منهم ضرجوا بدم

ما کان هذا جزائی إذ نصحت لکم / أن تخلفونی بسوء فی ذوی رحمی» (الحسینی، ۱۴۰۶ق:

۱۵۱-۱۵۲) او از ظرفیت حماسه‌سرایی و نقل رجزها نیز غافل نشده و در مواردی به ذکر رجزهای

شهدای پرداخته است. برای نمونه رجز یکی از اصحاب شهید به نام «الهفهاف بن المهند الراسبی» را

بدین گونه نقل کرده است: «یا ایها الجند المجند / أنا الهفهاف بن المهند / أبغی عیال محمد» (الحسینی، ۱۴۰۶ق: ۱۵۶)

۲-۴. خنثی بودن متن در مواجهه اولیه؛ جذب حداکثری

نگاشته فضیل در مواجهه اولیه صرفاً روایتگر واقعه عاشورا و شهادت امام حسین(ع) است و از هرگونه جهت‌گیری ثانوی که باعث ریزش مخاطب شود عاری است. این کتاب در برخورد اول نه مشتمل بر مدح و دعایی است نه ذم و لعن. این نوع پرداخت به موضوع، نوعی توریه و پنهان‌کاری در بیان عقیده به هدف جذب حداکثری مخاطب است. مانند چنین توریه‌ای را می‌توان در سیره زید نیز مشاهده کرد، آنجا که او برای حفظ همراهان بیشتر، به رغم بغض قلبی نسبت به شیخین(ابوالصلاح الحلبی، ۱۴۰۴ق: ۲۴۹-۲۵۰)، از لعن و طعن آنان خودداری نمود(الاشعری، ۱۴۰۰ق: ۶۵/۱). فضیل نیز که از همراهان و اصحاب سر زید به شمار می‌رود، سالک همین مسلک است و گویی با عدم نگارش مقدمه و هرگونه اضافات و توضیحاتی که مقصود اصلی را مخدوش سازد، متمایل بر کتمان است و قصد دارد گرایش ضد اموی نگاشته‌اش را بدون هیچ گونه جهت‌گیری ثانوی ابراز کند.

۳-۲-۴. ذکر اسامی شهید و قاتل؛ صف‌بندی میان دوست و دشمن

شیوه نگارش کتاب اینگونه است که نگارنده، نام شهدای کربلا را به ترتیب قرابت به امام حسین(ع) ذکر می‌کند. به این صورت که ابتدا شهدای اهل بیت(ع) و سپس شهدای اصحاب را یک به یک ذکر می‌کند و در برخی از موارد -خصوصاً در مورد شهدای اهل بیت(ع)- نام قاتل را نیز می‌آورد. اکتفا کردن مؤلف به ذکر اسامی شهدا و قاتلان پس از حدود یک سده از واقعه عاشورا در همان بوم، طبیعتاً منجر به بزرگداشت شهدا و فرزندان و نزدیکان ایشان می‌شود و در مقابل قاتلان و نزدیکان ایشان را تخطئه و ذلیل می‌کند. بنابراین انتشار چنین کتابی قطعاً منجر به صف‌بندی بین شیعیان و امویان خواهد شد. از این رو به احتمال قوی، انگیزه او از نگارش این کتاب نوعی خدمت به دستگاه قیام زید بن علی(ع) است. ایجاد پشتوانه معنوی، فرهنگی و اعتقادی برای قیام زید از جمله اهدافی است که این کتاب قابلیت تحقق آن را دارد(عقیقی بخشایشی، ۱۳۸۲ش: ۱۷). گویی مؤلف قصد دارد با چنین شیوه‌ای از ذکر اسامی قاتل و مقتول، نوعی جناح‌بندی ارائه دهد تا صف دوست از دشمن جدا شود. به خصوص اینکه آماری که از قاتل و مقتول ارائه می‌دهد با بسیاری از منابع اختلاف دارد و به این ترتیب این احتمال تقویت می‌شود که نگارنده انگیزه‌های شخصی را در ذکر اسامی دخیل کرده باشد.

۴-۲-۴. امام سجاده(ع)؛ امام قائم به سیف

فضیل که نیازهای اندیشگانی زیدیه به مثابه یک مکتب را به خوبی درک کرده است، می‌داند که زنجیره امامت تا زید باید پیوسته باشد و از طرفی امامان باید قائم به سیف باشند. حال اگر امام سجاده(ع) در روز عاشورا دست به شمشیر نبرده و رزم نکرده باشند، مکتب زیدیه با یک خلأ اندیشگانی مواجه خواهد بود. لذا او در راستای حل این مشکل، پس از ذکر اسامی فرزندان شهید امام حسین(ع) در مورد امام سجاده(ع) چنین گفته است: «و کان علی بن الحسین علیه‌السلام علیاً و ارتث یومئذ و قد حضر بعض القتال فدفع الله عنه و اخذ مع النساء هو» (الحسینی، ۱۴۰۶ق: ۱۵۰). او صراحتاً بیان می‌کند که ایشان در جنگ حاضر شد اما خداوند از او دفع خطر کرد و نیز با به‌کارگیری کلمه «ارتث» -که توضیح معنای آن گذشت- به جانبازی ایشان تصریح کرده است. این در حالی است که نه تنها در دیگر منابع تاریخی اشاره‌ای به چنین موضوعی نشده بلکه در بعضی نقل‌ها نبرد و مقاتله آن حضرت به دلیل بیماری سختی که به آن مبتلا بودند، نفی شده است (کاتب و اقدی، ۱۴۱۸ق: ۱۶۳/۵).

نتیجه

فضیل بن زبیر کوفی محدث شیعی نیمه اول قرن دوم هجری صاحب کتاب «تسمیه من قتل مع الحسین (ع)»، از جنبه اعتقادی گرایش زیدی دارد اما هیچ گونه قده یا تنقیصی از جانب رجالیان امامیه متوجه او نیست. ابن داود و میرزا حسین نوری جملاتی در مدح او دارند ولی با این حال توثیق او قطعی نیست مگر اینکه توثیق عام رجال کامل الزیارات پذیرفته شود. فضیل از اهل بیت (ع) نیز حدیث نقل کرده است که این احادیث شامل موضوعات طبی، فضائل، قرآنی و رجالی می‌شود. کتاب «تسمیه من قتل مع الحسین (ع)» تألیف فضیل بن زبیر از قدیمی‌ترین آثار در موضوع وقایع روز عاشورا است که از نظر سبک از سویی با ژانر «التسمیات» و از سویی با ژانر «مقتل الحسین (ع)» گره خورده است. قدیمی‌ترین کتابی که این اثر را نقل کرده و اکنون در دسترس است، «الأمالی الخمیسیه» اثر المرشد بالله الشجری است. روایت این اثر از واقعه عاشورا دارای شاخصه‌های ویژه‌ای است؛ از جمله اینکه او قائل به ولادت عبدالله رضیع (ع) در روز عاشورا است، او نام برخی قاتلان را در عداد شهدا ذکر کرده، معیار او در ترتیب اسامی شهدا، قرابت به امام حسین (ع) است، در خصوص شهدای هاشمی به ذکر نام مادرانشان پرداخته، از ذکر نام قاتلان غافل نشده و نام برخی جانبازان از اصحاب امام حسین (ع) را یادآور شده است. متن این کتاب در مواجهه اولیه به ظاهر خنثی است اما پس از واکاوی آن، هم‌عرض با مطالعه مهم‌ترین گفتمان‌های فرقه‌ای عصر تألیف، لایه‌های پنهان متن هویدا و انگیزه‌های مخفی مؤلف آشکار می‌گردد. متن نگاشته شده توسط فضیل که مشخصاً از حامیان قیام زید است، تا حد زیادی در خدمت اندیشه زیدیه بوده است. پرداخت به مسئله عاشورا به تنهایی نیازهای متعددی از جمله «نیروی انسانی»، «تهییج عواطف عمومی»، «مشروعیت» و «احیای روح ضد اموی» را برطرف می‌کند. فضیل با صف‌بندی میان قاتل و مقتول به نوعی جبهه دوست و دشمن را مشخص کرده و با این کار در جهت برطرف کردن نیاز به «نیروی انسانی» قدم زده است. این متن در راستای تأمین همین نیاز و با رویکرد جذب حداکثری، صرفاً راوی عاشورا و یادآور مظلومیت امام حسین (ع) است و از هرگونه جهت‌گیری دیگر که باعث ریزش مخاطب شود، عاری است. او همچنین با تصریح به نبرد و «قیام به سیف» امام سجاد (ع) در روز عاشورا، درصدد جبران خلل‌های موجود در نظام اندیشگانی زیدیه به مثابه یک مکتب مستقل است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، (۱۳۹۷ق)، *الغیبه للنعمانی*، تهران: نشر صدوق.
۳. ابن اثیر جزری، محمد بن علی، (۱۳۸۵ش)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دارالصادر.
۴. ابن اثیر، مبارک بن محمد، (۱۳۷۶ش)، *النهایه فی غریب الحدیث و الأثر*، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۵. ابن أعثم کوفی، محمد بن علی، (۱۴۱۱ق)، *الفتوح*، بیروت: دارالأضواء.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۰۶ق)، *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، قم: دارالشریف الرضی للنشر.
۷. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۸۵ش)، *علل الشرائع*، قم: کتاب فروشی داوری.
۸. ابن حیون، نعمان بن محمد، (۱۴۰۹ق)، *شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار(ع)*، قم: جامعه مدرسین.
۹. ابن داود حلی، حسن بن علی، (۱۳۴۲ش)، *کتاب الرجال*، تهران: دانشگاه تهران.
۱۰. ابن سیده، علی بن اسماعیل، (۱۴۲۱ق)، *المحکم و المحيط الأعظم*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۱. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، (۱۳۷۹ق)، *مناقب آل ابی طالب(ع)*، قم: علامه.
۱۲. ابن طاووس، علی بن موسی، *اللهورف علی قتلی الطفوف*، ترجمه احمد فهری زنجانی، تهران: جهان.
۱۳. ابن طاووس، علی بن موسی، (۱۴۱۵ق)، *الدروع الواقیه*، بیروت: مؤسسه آل‌البتیت(ع).
۱۴. ابن فارس، احمد بن فارس، (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*، قم: مکتب الاعلام الإسلامی.
۱۵. ابن قولویه، جعفر بن محمد، (۱۳۶۵ش)، *کامل الزیارات*، نجف: دارالمرتضویه.
۱۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت: دارالصادر.
۱۷. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، *الفهرست*، بیروت: دارالمعرفه.
۱۸. ابن نما، جعفر بن محمد، (۱۴۰۶ق)، *مشیر الاحزان*، قم: مدرسه الامام المهدي(عج).
۱۹. ابن‌ابسطام، عبد الله و حسین، (۱۴۱۱ق)، *طب الائمه(ع)*، قم: دارالشریف الرضی.
۲۰. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، (۱۳۸۰ق)، *معالم العلماء*، نجف: المطبعة الحیدریه.
۲۱. ابوالصلاح الحلبي، تقی بن نجم، (۱۴۰۴ق)، *تقریب المعارف*، قم: الهادی.
۲۲. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، (۱۴۱۹ق)، *مقاتل الطالبیین*، بیروت: الأعلمی.

۲۳. اخطاب خوارزم، موفق بن احمد، (۱۳۸۱ش)، *مقتل الحسین (ع)*، قم: انوارالهدی.
۲۴. ازهری، محمد بن احمد، (۱۴۲۱ق)، *تهذیب اللغة*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۵. اشعری قمی، سعد بن عبدالله، (۱۳۶۹ق)، *المقالات و الفرق*، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۶. اشعری، علی بن اسماعیل، (۱۴۰۰ق)، *مقالات الإسلامیین و اختلاف المصلین*، ویزبادن: دار فرانز شتایز.
۲۷. جزیری، عبدالرحمن، (۱۴۲۵ق)، *الفقه علی المذاهب الأربعة*، استامبول: مكتبة الحقيقة.
۲۸. حسینی، سید محمدرضا، (۱۴۰۹ق) «التسمیات طلیعة المؤلفات فی الحضارة الاسلامیة»، *تراثنا*، سال چهارم، شماره ۱۵.
۲۹. حسینی، سید محمدرضا، (۱۴۰۶ق)، «تسمیة من قتل مع الحسین (ع)»، فصلنامه *تراثنا*، سال اول، شماره ۲.
۳۰. سبحانی، جعفر، (۱۴۱۰ق)، *کلیات فی علم الرجال*، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۳۱. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، *الملل و النحل*، بیروت: دارالمعرفة.
۳۲. صدر، سید حسن، (۱۳۷۵ق)، *تأسيس الشيعة لعلوم الإسلام*، بیروت: الأعلمی.
۳۳. المرشد بالله الشجری، یحیی بن الحسین، (۱۴۲۲ق)، *الأمالی الخمیسیة*، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۳۴. النوبختی، حسن بن موسی، (۱۴۳۳ق)، *فرق الشيعة*، بیروت: منشورات الرضا.
۳۵. امین، حسن، (۱۴۰۸ق)، *مستدرکات أعیان الشيعة*، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۳۶. انصاری (خلیفه شوشتری)، محمدعلی، (۱۴۱۵ق)، *الموسوعة الفقهیة المیسرة*، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۳۷. آزاد کشمیری، محمدعلی بن محمدصادق، (۱۳۸۷ش)، *نجوم السماء فی تراجم العلماء*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۳۸. آقابزرگ تهرانی، محمدمحسن، (۱۴۰۳ق)، *الذریعة إلى تصانیف الشيعة*، بیروت: دارالأضواء.
۳۹. براقی، حسین، (۱۴۰۷ق)، *تاریخ الکوفه*، بیروت: دارالأضواء.
۴۰. برقی، احمد بن محمد، (۱۳۴۲ش)، *رجال البرقی*، تهران: دانشگاه تهران.
۴۱. برقی، احمد بن محمد، (۱۳۷۱ق)، *المحاسن*، قم: دارالکتب الإسلامیة.
۴۲. بستانی، فواد افرام، (۱۳۷۵ش)، *فرهنگ ابجدی*، تهران: اسلامی.
۴۳. بلاذری، احمد بن یحیی، (۱۴۱۷ق)، *جمل من أنساب الأشراف*، بیروت: دارالفکر.

۴۴. پاکتچی، احمد، (۱۳۷۹ش)، «اصحاب حدیث»، در *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، ج ۹، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۴۵. پیشوایی، مهدی، (۱۳۹۱ش)، *تاریخ قیام و مقتل جامع سیدالشهداء(ع)*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
۴۶. توحیدی‌نژاد، نفیسه، (۱۳۹۰ش)، «تیین و بررسی مکتب علمی کوفه از پیدایش تا پایان قرن دوم هجری با توجه به نقش ائمه اطهار(ع)» (پایان نامه کارشناسی ارشد معارف نهج البلاغه)، اصفهان: دانشکده معارف قرآنی اصفهان.
۴۷. جبران، مسعود، (۱۳۷۶ش)، *الرائد*، ترجمه رضا انزابی نژاد، مشهد: به‌نشر.
۴۸. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۳۷۶ق)، *الصحاح*، بیروت: دار العلم للملایین.
۴۹. حسینیان مقدم، حسین، (۱۳۹۵ش)، «سیر تکاملی مقتل‌نگاری با تکیه بر مقتل‌نگاران اصحاب امامان معصوم(ع)»، فصلنامه *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، سال هفتم، شماره ۲۳.
۵۰. حیدری، محمد، (۱۳۸۱ش)، *معجم الأفعال المتداولة*، قم: مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه.
۵۱. خویی، ابوالقاسم، (۱۴۱۳ق)، *معجم رجال الحدیث*.
۵۲. دهدست، محمدرضا، (۱۳۸۹ش)، «پژوهشی درباره تعداد شهدای کربلا»، فصلنامه *رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی*، سال بیست و دوم، شماره ۷۹.
۵۳. رجبی دوانی، محمدحسین، (۱۳۷۸ش)، *کوفه و نقش آن در قرون نخستین اسلامی*، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه امام حسین(ع).
۵۴. رفاعی، عبد الجبار، (۱۳۷۱ش)، *معجم ما کتب عن الرسول و أهل البيت(ص)*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵۵. رنجبر، محسن، (۱۳۸۶ش)، «سیری در مقتل‌نویسی و تاریخ‌نگاری عاشورا از آغاز تا عصر حاضر»، دوفصلنامه *تاریخ اسلام در آینه پژوهش*، سال ششم، شماره ۱۴.
۵۶. حرعاملی، محمد بن حسن، (۱۴۲۵ق)، *إثبات الهداء بالنصوص والمعجزات*، بیروت: الأعلمی.
۵۷. صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر، (۱۴۲۱ق)، *جواهر الکلام*، قم: مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل‌بیت(ع).
۵۸. صاحب، اسماعیل بن عباد، (۱۴۱۴ق)، *المحیط فی اللغة*، بیروت: عالم الکتب.
۵۹. صالحی حاجی آبادی، ابراهیم، (۱۳۹۲ش)، «تسمیه من قتل مع الحسین در ترازوی نقد»، فصلنامه *پژوهشنامه تاریخ*، سال نهم، شماره ۳۰.

۶۰. صفار، حسن بن محمد، (۱۴۰۴ق)، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد(ع)*، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۶۱. طارمی‌راد، حسن و دیگران، (۱۳۹۲ش)، «بررسی تأثیر شیعیان کوفه از فرهنگ رأی و قیاس در نیمه اول سده دوم»، فصلنامه *تحقیقات کلامی*، سال اول، شماره ۳.
۶۲. طباطبائی حکیم، محمد سعید، (۱۴۳۳ق)، *منهاج الصالحین*، قم: دارالهلال.
۶۳. طبرسی، احمد بن علی، (۱۴۰۳ق)، *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، مشهد: نشر مرتضی.
۶۴. طبری، محمد بن جریر، (۱۳۸۷ق)، *تاریخ الطبری*، بیروت: دارالتراث.
۶۵. طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، (۱۴۱۳ق)، *دلائل الإمامة*، قم: بعثت.
۶۶. طبسی، نجم الدین، (۱۳۸۱ش)، «حکم تسمیه و ذکر نام شریف حضرت ولی عصر(عج)»، فصلنامه *انتظار موعود*، سال دوم، شماره ۳.
۶۷. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۱۱ق)، *الغیبه*، قم: دار المعارف الإسلامیه.
۶۸. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۳۷۳ش)، *رجال الطوسی*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۶۹. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، (۱۳۸۲ش)، *سه مقتل گویا در حماسه عاشورا*، قم: نوید اسلام.
۷۰. عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰ق)، *تفسیر العیاشی*، تهران: المطبعة العلمیه.
۷۱. فرمانیان، مهدی، (۱۳۸۷ش)، *آشنایی با فرق تشیع*، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۷۲. فیومی، احمد بن محمد، (۱۴۱۴ق)، *المصباح المنیر*، قم: موسسه دار الهجرة.
۷۳. قلعبی، محمد رواس و حامد صادق قنیبی، (۱۴۰۸ق)، *معجم لغة الفقهاء*، بیروت: دار النفائس.
۷۴. قمی، عباس، (۱۳۷۹ش)، *منتهی الآمال*، قم: دلیل ما.
۷۵. قهرمانی نژاد، بهاء‌الدین، (۱۳۹۴ش)، *مقتل نامه*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۷۶. قیم، عبدالنبی، (۱۳۹۴ش)، *فرهنگ معاصر عربی-فارسی*، تهران: فرهنگ معاصر.
۷۷. کاتب واقدی، محمد بن سعد، (۱۴۱۸ق)، *الطبقات الکبری*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۷۸. کشی، محمد بن عمر، (۱۴۰۹ق)، *رجال الکشی*، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.
۷۹. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۸۰. کتوری، اعجاز حسین، (۱۴۰۹ق)، *کشف الحجب و الأستار عن أسماء الکتب و الأسفار*، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

۸۱. گلی زواره، غلامرضا، (۱۳۷۳ش)، **سیمای کوفه**، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
۸۲. مادلونگ، ویلفرد، (۱۳۷۷ش)، **فرقه‌های اسلامی**، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: اساطیر.
۸۳. مالک بن انس، (۱۴۰۶ق)، **الموطأ**، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۸۴. مایل هروی، نجیب، (۱۳۷۰ش)، «ابن قیسرانی» در **دایرةالمعارف بزرگ اسلامی**، ج ۴، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۸۵. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ق)، **بحار الأنوار**، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۸۶. محمدی ری‌شهری، محمد، (۱۳۸۸ش)، **دانشنامه امام حسین(ع) بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ**، ترجمه عبدالهادی مسعودی، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
۸۷. مدکور، محمد سلام، (۱۳۹۳ق)، **مناهج الاجتهاد فی الاسلام**، کویت: جامعه‌الکویت.
۸۸. مسعودی، علی بن حسین، (۱۴۰۹ق)، **مروج الذهب و معادن الجواهر**، قم: دارالهجره.
۸۹. مظفری، محمد و دیگران، (۱۳۸۵ش)، **پژوهشی پیرامون شهدای کربلا**، قم: زمزم هدایت، قم.
۹۰. مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ق)، **الأمالی**، قم: کنگره شیخ مفید.
۹۱. مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ق)، **الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد**، قم: کنگره شیخ مفید.
۹۲. مقرم، عبدالرزاق، (۱۴۲۶ق)، **مقتل الحسین(ع)**، بیروت: مؤسسه الخرسان للمطبوعات.
۹۳. میرشاهی، سینا، (۱۳۹۷ش)، «بازتاب شهادت حضرت علی اصغر(ع) در تاریخ نگاری عاشورا(با تکیه بر منابع عصر حاضر)»، فصلنامه پژوهشنامه معارف حسینی، سال سوم، شماره ۱۰.
۹۴. نصر بن مزاحم، (۱۴۰۴ق)، **وقعة صفین**، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۹۵. نوری، میرزا حسین، (۱۴۰۸ق)، **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، قم: مؤسسه آل‌البیت(ع).
۹۶. نیلساز، نصرت و ابوالفضل رجایی‌فرد، (۱۳۹۷ش)، «تاریخ‌نگاری مکتب حدیثی کوفه در پنج قرن نخست و تأثیرگذاری آن بر تاریخ‌نگاری اسلامی بر اساس دو فهرست نجاشی و شیخ طوسی»، فصلنامه شیعه‌شناسی، سال شانزدهم، شماره ۶۱.